

گردآوری و تدوین: کیهان خانجانی



گردآوری و تدوین
کیهان خانجانی

کتابتِ روایت

(درس گفتارهای داستان)

با مقاله‌هایی از:

امیر احمدی آریان، کورش اسدی، منیرالدین بیروتی،
محمد تقوی، آتفه چهارمحالیان، محمد حسینی،
محمود حسینی‌زاد، ابوتراب خسروی، عدنان دانشیار،
عنایت سمیعی، محمد شریفی، مهدی غبرایی،
سیاوش گلشیری، شمس لنگرودی، علیرضا نیکویی



سرشناسه: خانجانی، کیهان، ۱۳۵۲، - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: کتابت روایت: (درس گفتارهای داستان)/امیر احمدی آریان... [و دیگران]:
گردآوری و تدوین کیهان خانجانی؛ ویراستار کاوه اکبری.

مشخصات نشر: تهران: تهران: آگه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۱۳ ص: ۲۱×۱۴ س.م.

شابک: 978-964-329-313-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: امیر احمدی آریان، کورش اسدی، منیرالدین بیروتی، محمد تقوی، آتفه چهارمحالیان،
محمد حسینی، محمود حسینی‌زاد...

عنوان دیگر: درس گفتارهای داستان.

موضوع: داستان‌نویسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Fiction--Authorship--Adresses, essays, Lectures

موضوع: داستان‌نویسی - تاریخ

Fiction--Authorship--History موضوع:

موضوع: داستان‌های فارسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Persian fiction--Adresses, essays, lectures

شناسه افزوده: احمدی آریان، امیر، ۱۳۵۸ -

رده‌بندی کنگره: ۲۳۵۴/۲۲

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۵۵۶۱۰



کتابت روایت (درس گفتارهای داستان)

گردآوری و تدوین: کیهان خانجانی

چاپ یکم: پاییز ۱۳۹۵؛ آماده‌سازی، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ دفتر نشر آگه

(ویراستار: کاوه اکبری؛ نمونه‌خوان: فرهاد گلچین؛ صفحه‌آرا: فرشته آذرباد)

طراح جلد: محمود رضا لطیفی

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۱،۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشر آگه

خیابان فلسطین، بین انقلاب و بزرگمهر، شماره‌ی ۱/۳۴۰، واحد ۳

تلفن: ۶۶۴۶۳۱۵۵ و ۶۶۹۷۴۸۸۴

ایمیل: info@agahpub.ir

اینستاگرام: @agahpub

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.ir

قیمت: ۱۴،۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۹	بخش یکم: متون کهن و داستان کنون
	در اهمیت متون مقدس و بینامتنیت
۱۱	امیر احمدی آریان
	صخره‌های باستانی (شرحی در ستایش داستان قدیم)
۱۷	کورش اسدی
	تأثیر متون کهن بر داستان امروز
۲۵	منیرالدین بیروتنی
	رابطهٔ سبک و درون‌مایه در چهار مقاله و کلیله و دمنه
۴۳	آتفه چهارمحالیان
	فرهنگ ستیز از شاهنامه تا کوچه (تبارشناسی شخصیت پردازی سیاه و سفید)
۵۷	محمد حسینی
	داروی ایجاز به تجویز بیهقی
۶۵	محمود حسینی‌زاد
	آسیب‌شناسی سیر تکوینی حکایت تا داستان امروز فارسی
۷۷	ابوتراب خسروی
	گذری بر سیمای جنگ در کتاب‌های تاریخی فارسی
۸۵	محمد شریفی

بینامتنیت؛ گسترش افق‌ها و امکان‌ها

۱۱۵

علیرضا نیکویی

۱۲۷

بخش دوم: پیرامون داستان

منتقد داستان (نویسنده حرفه‌ای کیست؟ یا نفت، دلار، خاله‌بازی)

۱۲۹

محمد تقوی

مکان داستان: بوطیق‌ای شهر

۱۴۳

عدنان دانشیار

مرگ مدرن در داستان: تولد مرگ

۱۶۱

عنایت سمیعی

ما و جهانی‌نشدن داستان (آسیب‌شناسی داستان ایرانی در قیاس با ژاپن)

۱۷۱

مهدی غبرایی

مدرنیسم و پسامدرنیسم در داستان (اشتراک‌ها و افتراق‌های مؤلفه‌های آن‌ها)

۱۷۹

سیاوش گلشیری

شاعرانگی و داستان: داستان شاعرانه

۱۹۷

شمس لنگرودی

پیش‌گفتار

گردآوری کتابتِ روایت از آن‌جا آغاز شد که به چالش‌کشیدن مباحث داستان‌نویسی نیاز به گفتمان تخصصی در این عرصه را برای‌مان رقم زد. پس میزبان شدیم و میهمان آوردیم به کانون داستان «چهارشنبه رشت» که از سال ۱۳۸۲ در مؤسسه مستقل «خانه فرهنگ گیلان» کارش را آغاز کرده و پی گرفته است با:

- نشست داستان (بی‌انقطاع هر هفته چهارشنبه، چهار ساعت)؛
- انتشار پانزده شماره نشریه ویژه ادبیات (که بالا‌جبار متوقف ماند)؛
- چاپ مجموعه داستان اعضا (هشت جلد با نشر فرهنگ ایلیا در گیلان و پنج جلد با نشر به‌نگار در تهران و دوازده جلد با دیگر ناشران پایتخت)؛
- آیین رونمایی این کتاب‌ها به همراه سخنرانی و داستان‌خوانی؛
- چند دوره کارگاه خوانش قصه‌های کهن و تبدیل آن‌ها به داستان مدرن؛
- تدوین اساس‌نامه راه‌اندازی جایزه ادبی سپیدرود؛
- و دعوت از میهمانان نویسنده داستان و مدرس داستان و منتقد داستان، و مترجم داستان که پایه این کتاب شد.

ضبط و پیاده‌سازی و تبدیلِ گفتارِ محاوره و حروف‌نگاری و تدوین و ویرایش صورت گرفت تا که متن حاضر حاضر شود. برخی مقال‌شان را از سر نوشتند و باقی، جای‌جای، دستی بر آن کشیدند و رسایش کردند.

این‌که به سالیان دوران هشت‌سال چه و چه‌ها گذشت بر ما از دعوت میهمانان و گردهم‌آوردنِ اهلِ داستان، بماند تا به مجالش؛ اما در این راه ممنون‌ایم از و مدیون‌ایم به آن اعضای کانون که عافیت‌اندیشی نکردند و به روح جمعی و خاطرات خود احترام گذاردند و ماندند؛ چراکه نیروی انسانی فرهنگی، به زیرِ سقفِ مشترک، با حرفِ مشترک، برای اکنون و آتیِ مشترک، اصلِ اصیل است و باقی، فرع.

امید داریم جلدهای آتیِ درس‌گفتار که در حال گردآوری‌ست، شکل مطلوب بیابد و به چاپ درآید. چراکه آثارِ گفتاری و نوشتاری در زمینهٔ داستان‌نویسی بسیار کم‌تر است از ترجمهٔ آن، و جای مثال و مصادیق داستان ایرانی در آن‌ها خالی.

در پایان سپاس‌گزاریم از:

- آقای شهاب احمدپور که در آماده‌سازی متن‌ها زحمت برد.
- نشر آگه و جناب محمد نبوی و راهنمایی‌هایش و سرکار خانم لیلا حسین‌خانی که اطمینان کرد و مجموعه را پذیرفت.
- میهمانانی که از سرِ آرمانِ داستان، عصری میهمان ما بودند. باشد که نام‌شان به اعصار بماند.

کیهان خانجانی
رشت، پایانِ نود و چهار ایرانی

بخش یکم



متون کهن و داستان کنون

در اهمیت متون مقدس و بینامتنیت

امیر احمدی آریان

هر متنی و به هر زبانی بنویسیم، داریم به یک سری متن در گذشته آن زبان واکنش نشان می دهیم. نوشتن خلق الساعه و بدون زمینه وجود ندارد. اگر به زبان فارسی بنویسیم، چه بخواهیم و چه نخواهیم در طول سستی قرار می گیریم که از رودکی شروع می شود، فردوسی نقطه اوجش است و نظامی و مولوی دیگر قله هایش، تا برسیم به نیما و شاملو و دیگران. حال بسته به این که چه بنویسیم، با متون مختلفی از این سنت درگیر می شویم و نسبت به شان واکنش نشان می دهیم. مثلاً اگر داستان نویس باشیم، واکنشی که به متون منشور نشان می دهیم جدی تر است تا واکنشی که به غزل حافظ، چرا که متون منشور بیش تر طرف صحبت ما قرار می گیرند؛ و اگر شاعر باشیم برعکس. رابطه متنی اجتناب ناپذیر است و هیچ کس نمی تواند نخ آن را قطع کند. صرفاً با گفتن این که مثلاً آن متن ها ضعیف اند و راهی که تا این جا آمدیم به نظرمان اشتباه است این بار از دوش مان برداشته نمی شود. درست مثل کسی که در ایران به دنیا آمده و بزرگ شده و فارسی زبان مادری اش است و نمی تواند صرفاً یک روز کنارش بگذارد و از صفر شروع کند. ما هیچ وقت از آغاز وارد بازی نمی شویم، نقطه ورودمان جایی است که قبل اش هزاران چیز ساخته شده است.

در مورد متون معیار نیز همین اتفاق می افتد. ما در مقام فارسی زبان هر چه می نویسیم به یک سری متن واکنش نشان می دهیم، البته نه لزوماً هر متنی که به

فارسی نوشته شده. دیوان حافظ مسلماً جزء آن متون است، اما مثلاً آن مجموعه داستان هشتاد صفحه‌ای که فلان کس در دهه سسی در فلان شهرستان منتشر کرده و بیست نفر خوانده‌اند و تمام شده و رفته، جزء آن مجموعه متون معیار نیست. تاریخ صافی دارد، تعداد معدودی از متن‌ها باقی می‌مانند و می‌شوند متون معیار، canon یک فرهنگ یا همان معرب‌اش که «قانون» آن باشد، و خواه‌ناخواه هرکه بعد این‌ها می‌نویسد به نوعی در گفت‌وگوست با این مجموعه.

متون معیار زبان فارسی کدام‌اند؟ مثلاً شاهنامه فردوسی. بیش‌ترشان متعلق‌اند به فاصله زمانی فردوسی تا حافظ که چگالی بالایی از نام‌های بزرگ و متون معیار دارد؛ تاریخ بیهقی، مثنوی‌های نظامی، مثنوی‌ها و غزلیات عطار، سنایی، مولوی، حافظ، و تا عصر خودمان که بیاییم، نیما یوشیج، صادق هدایت و احمد شاملو. البته هرکس فهرست خودش را دارد و انتخاب‌های مرا خیلی‌ها شاید قبول نداشته باشند، همیشه جا برای بحث و جدل هست.

یکی از متون معیار در هر زبانی، متون مقدس دین و فرهنگ آن کشور است، و این کاملاً اجتناب‌ناپذیر است. مثلاً عربی تکلیف‌اش معلوم است، چون زبان عربی از دل قرآن می‌آید. برای من فارسی زبان هم این متن کلیدی است، چون در سرزمینی زندگی می‌کنیم که کتاب مقدس عمده مردم آن قرآن است. از طرفی، عربی زبانی است تفکیک‌ناپذیر از فارسی امروز. دیگر می‌دانیم که ماجرای دو قرن سکوت خیلی هم سندیت تاریخی ندارد و در طبقات پایین جامعه مردم تعامل سازنده‌ای را بین عربی و فارسی شروع کردند که ادامه پیدا کرد و رسید به رودکی و پختگی فارسی دری، که نتیجه امتزاج سازنده عربی و فارسی است، و فارسی به این معنایی که ما می‌شناسیم و حرف می‌زنیم از دل آن تعامل بیرون می‌آید. خلاصه این‌که قرآن برای ما نیز مثل عرب‌ها متنی بنیان‌گذار و اجتناب‌ناپذیر است.

پس برای نویسنده، رابطه‌ای که با متنی مثل قرآن برقرار می‌کند در وهله اول زبانی ادبی است. باقی مسائل بعد می‌توانند اضافه شوند، ممکن است هیچ‌کدام هم به نظام فکری او راه نیابند، ولی به هر حال رابطه متنی زبان فارسی با متن مقدس اتفاقی است که ورای اختیار ما می‌افتد و تا وقتی به این زبان می‌نویسیم

وجود دارد. حالا می شود چشم بست به این متنی که بخشی از زبان و فرهنگ ما به هر حال از دل اش متولد شده و کنارش گذاشت، یا می شود با آن رودر رو شد، از وجودش آگاه بود و ظرفیت های تازه ای از این گفت و گو را آزاد کرد و به کار بست.

تجربه نشان داده برای کسی که دارد می نویسد رودررو شدن با این واقعیت ها، با توجه به اتفاقی که در پشت سر افتاده، سازنده تر است تا چشم بستن به روی آن ها. واقعیت این است که ما نقطه خیلی کوچکی هستیم از یک تاریخ خیلی طولانی که از یک گذشته خیلی کهن شروع شده و بی توجه به حضور یا غیاب ما ادامه خواهد داشت. هیچ فردی این قدر توانایی ندارد که رأساً این خط را عوض کند. پس برای نویسنده ایرانی ارتباط با کلان متنی مثل قرآن، رابطه ای اجتناب ناپذیر است، فارغ از همه مسائل.

در زبان انگلیسی کلان متن کتاب مقدس ترجمه انگلیسی «کینگ جیمز» از عهد قدیم و جدید است که اوایل قرن هفدهم منتشر شد. کینگ جیمز شاه انگلیس بود و گروهی از مترجمان را جمع کرد و پول کلانی داد تا این کتاب را به بهترین انگلیسی ممکن برگردانند که هم فخیم باشد و هم برای انگلیسی زبانان در دسترس. متن انگلیسی فوق العاده زیبایی دارد و خواننداش بی نهایت لذت بخش است. نزدیک ترین نمونه مشابه اش در فارسی شاید تاریخ بیهقی باشد.

آن متن برای انگلیسی زبان ها اهمیت اش حتا از اهمیت شاهنامه برای ما بیش تر است. در واقع آن متن به نوعی بنیان زبان انگلیسی مدرن را می گذارد و در کنار آثار شکسپیر دو ستون اصلی این زبان را شکل می دهند. یعنی آن جا نیز رابطه بنیادین بین ادبیات انگلیسی و متن مقدس برقرار است و ادبیاتی که یکی دو قرنی است بسیار سکولار شده و دغدغه های کهن اش را کنار گذاشته بی نهایت وام دار ترجمه کتاب مقدس است. آن جا البته مشکلات سیاسی و ایدئولوژیک شان به نسبت ما بسیار کم رنگ تر شده و اهل ادب با فراغ بال به سراغ ظرفیت های ادبی و روایی متون مقدس شان می روند. آثار نویسندگانی مثل فاکتر یا کنراد را از این منظر اگر بخوانیم، میزان رابطه بینامتنی که رمان ها و داستان های آن ها با کتاب مقدس دارد حیرت زده مان خواهد کرد.

بنابراین، قضیه متون مقدس تاریخی است و فارغ از بُعد ایدئولوژیک یا سیاسی یا دینی. شاید بشود خطر کرد و گفت اصلاً زبانی نداریم که پشتوانه شکل‌گیری ادبیات‌اش یک کتاب مقدس نباشد.

به‌طور مثال، ایشالوم ایشالوم ویلیام فاکنر را در نظر بگیرید. ایشالوم پسر داوود نبی است در کتاب مقدس که علیه پدر طغیان می‌کند. رمان فاکنر داستان به قدرت رسیدن تامس ساتپن است در می‌سی‌سی‌پی، قصه جنوب آمریکاست و پر از اشارات به وضع اقتصادی و برده‌داری و غیره، ولی اسکلت اصلی کتاب را داستانی از کتاب مقدس شکل می‌دهد. یا مثالی دیگر، که وام‌گرفته از کتاب مقدس است: گونتر گراس نمایش‌نامه‌ای دارد به‌نام سیل. در برلین سیل می‌آید و خانواده‌ی مردی که نام کوچک‌اش نوح است با مشتی حیوان در خانه گرفتار می‌شوند، و ماجرای تنش‌های اعضای خانواده است و جنگ‌شان برای بقا در سیل، که نظیر به نظیر از قصه توفان نوح گرفته شده، هرچند که قرار است وضعیت‌شان استعاره‌ای برای آلمان نازی باشد.

پس متون مقدس فرم‌های پایه‌ای و بنیادین روایت را تشکیل می‌دهند و در واقع مخزن می‌شوند. ما در مقام نویسنده بخشی از کارمان ترجمه این متون است به عصر خودمان، و طرح پرسش‌هایی از دل این فرآیند که به کار مردمان این عصر بیاید.

ممکن است فکر کنید این کار چندان خلاقانه‌ای هم نیست، داستان از پیش حاضر است و فقط محتوای امروزی در آن می‌ریزند. اتفاقاً درست به‌همین دلیل این متون بسیار خلاقانه‌اند. خلاقیت با حفظ این محدودیت‌ها بیش‌تر جلوه می‌کند تا با شکستن روایت اصلی. یعنی اکنونی‌کردن ساختاری که متعلق به پنج‌هزار سال قبل است، سخت‌تر است از شکستن و ساختن چیزی کاملاً متفاوت از دل آن. اتفاقاً این نوع داستان‌ها به دلیل بسته‌بودن دست و پای نویسنده و محدود بودن دامنه حرکت او بیش‌تر نشان‌دهنده خلاقیت‌اند. مثل این می‌ماند که کسی در دعوا فقط از یک دست استفاده کند؛ اگر رقیب‌اش را شکست دهد بی شک ستودنی‌تر است از وقتی که با هر دو دست می‌جنگد. نویسنده به‌قیمت وفادار ماندن به قصه پایه آزادی را از خود می‌گیرد. این جور نوشتن دشوارتر است از نوشتن با استفاده از تمام امکانات موجود.